نشریه مکتب احیاء، ۲(۳)، ۳۲-۳۵/ تابستان ۱۴۰۳
https://doi.org/10.22034/2.3.32

نقطه نظر/نقدنظر

ناکارآمدی سنجش رضایتمندی سکونتی در مسکن مهر، محصول افتراق مؤلفه‌های سکونت

سینا ناصری*
دکتری معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

اطلاعات مقاله
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

واژگان کلیدی
مسکن مهر، رضایتمندی سکونتی، جامع نگری، کل‌نگری، کیفیت سکونت

چکیده

توسعهٔ مجموعه‌های مسکونی متراکم در جهان از دههٔ ۶۰ میلادی به این سو، به اهمیت‌یافتن مفهوم «کیفیت سکونت» و به‌دنبال آن ابداع سنجه‌های رضایتمندی سکونتی و روش‌های گوناگون سنجش آن منجر شده است. این رویکرد به پیدایش پژوهش‌های مختلف در علوم مرتبط با فضا و مکان انجامید. تمایل به ارزیابی کیفیت سکونت در برنامهٔ «مسکن مهر» به‌عنوان بزرگترین پروژهٔ ساخت مسکن در تاریخ ایران، از این قاعده مستثنی نیست. بااین‌حال ارزیابی مطالعات مختلف نشان می‌دهد پژوهش‌های سنجش کیفیت که در قالب روش‌های متعارف پیمایش محیطی و براساس تعریف سنجه‌های ازپیش‌تعیین‌شده به انجام رسیده، نتوانسته است تأثیر مثبتی در بهبود شرایط محیط‌های مسکونی موصوف برجای گذارد. این نوشتار درصدد بررسی دلایل ناکارآمدی این پژوهش‌ها و عدم تحقق نتایج موردانتظار از آنهاست؛ فرایند نقد مطالعات‌انجام شده به این باور هدایت شده که دلیل اصلی عدم توفیق، روش‌شناسی پژوهش‌هاست.

از یک سو جدایی‌گزینی مؤلفه‌های پیمایش‌شده و عدم توجه به وجه یکه و یگانه سکونت در قالب کل‌نگر و از سوی دیگر محدودشدنِ مطالعات، به نگره و زاویه دید پژوهشگر به یک وجه خاص که برآمده از بافتار حوزهٔ نظری پژوهش‌ها است، دو دلیل اصلی بی‌اثرشدن این مطالعات نتیجه شده است.

* نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۷۳۱۷۷۲۴۹، Sina.naseri.archi@gmail.com

This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-08]
[DOI: 10.22034/2.3.32]

مقدمه

مفهوم «رضایتمندی سکونتی» و سنجش آن در بستر مجموعه‌های مسکونی از موضوعات حائز اهمیت در حوزهٔ برنامه‌ریزی فضایی است که بنا به سیر تکامل مفهومی در ادبیات نظری به طرق مختلف به ابعاد مادی و معنایی محیط وابسته بوده و تفسیر شده است. به‌دلیل وابستگی این مطالعات به امر پیمایش و سنجش در محیط سکونتی، نتایج و دستاوردهای آن در بهبود شرایط و کیفیت زندگی ساکنان نقش‌آفرین است.

ضرورت این پیمایش‌ها در دیسیپلین‌های وابسته به فضا و مکان از باب تأثیرات آن بر شکل‌گیری مفهوم «مکان و تعلق به آن» به قدری است که بخش قابل‌توجهی از مطالعات موضوع رضایتمندی، بر مبنای سنجش «رضایتمندی سکونت» در مجموعه‌های مسکونی استوار است. مضاف بر آن‌که پس از بهره‌برداری از پروژهٔ مسکن مهر و پدیداری نواقص آن به‌واسطهٔ یکسان‌بودن طرح و برنامهٔ فیزیکی، سنجش رضایتمندی سکونتی به یکی از موضوعات پرتکرار در یک دههٔ گذشته نیز بدل شد.

مطالعهٔ رضایت از سکونت مطالبه‌ای که محصول توسعهٔ مسکن است علی‌رغم پژوهش‌های متعدد و انتشار ماحصل نظری آنها در قالب مکتوبات و انعکاس نظرات مختلف نتوانسته به‌اندازهٔ تعدد پژوهش‌ها، کارآمد باشد. مستند به آن‌که در سیر ساخت و یا تکمیل پروژه‌های مسکن مهر، اثر قابل‌توجهی از مطالعات پیشینی بر نمونه‌های پسینی آن مشاهده نمی‌شود.

بدنهٔ نقد

«چرا پیمایش‌های نظری انجام‌شده در حوزهٔ رضایتمندی سکونتی در مسکن مهر ناکارآمد بوده است؟» رضایتمندی به‌عنوان یک مفهوم ذهنی و شاخص ارزیابانهٔ کیفیت محیط به عوامل متعددی بستگی دارد؛ به‌ویژه از این حیث که رضایتمندی در بستر محیط سکونت در دیالکتیکی میان تأثیرپذیری از شرایط محیط و تأثیر آن بر خوانش ساکنان محیط شکل می‌یابد.

با نگاهی قریب به بیش از یک دهه پژوهش‌های انجام‌شده در مسکن مهر و دسته‌بندی آنها، می‌توان سنجه‌های رضایت را در قالب پنج دسته و ذیل سه بخش اصلی «ساختاری-کالبدی»، «اجتماعی» و «اقتصادی» تقسیم‌بندی کرد (ناصری و همکاران، ۱۴۰۳).

مطالعات انجام‌شده در این حوزه و به‌طور مشخص مسکن مهر تاکنون، با طرح عوامل متعدد اما با رویکردی انفکاکی و بر محور جدایی‌گزینی میان مؤلفه‌ها، پیوند و رابطهٔ متقابل میان آنها را نادیده گرفته است. به بیانی در اکثر مطالعات تنها یک بُعد از ابعاد کیفیت سکونت را مورد توجه قرار داده و مشخصاً در وهلهٔ اول بر پیمایش و سنجش و سپس نتیجه‌گیری از دریچهٔ همان عوامل به ارزیابی محیط و شرایط سکونت می‌پردازد.

مطالعات انجام‌شده در دو حوزهٔ «اجتماعی» و «ساختاری-کالبدی» با تأکید بر مؤلفه‌های هر یک از سطوح ، پیمایش را به بررسی شاخص‌ها و سنجه‌های مذکور معطوف و موجب تک‌بعدی‌شدن نگرش به مسئله شده است. بر همین اساس تبعاً ارائهٔ راهکارها را نیز به‌واسطهٔ ارزیابی نادرست و مسئله‌شناسی غیرکامل، به همان موضع ورود به مسئله محدود می‌کند.

برخی از پژوهش‌ها با اتکا بر شاخص‌هایی برآمده از «عدم وجود زیرساخت‌های لازم و تسهیلات زیربنایی و روبنایی»، ابعاد رضایت را معطوف به ارتقا شرایط کالبدی و ساختاری می‌دانند و معتقدند که عوامل فوق در ایجاد نارضایتی ساکنان از محیط سکونت بیشترین تأثیر اثر را داشته و ارتقا این سری از نیازهای سکونتی الزامی و تأمین آنها موجب رضایت ساکنان بوده و به‌منظور خروج از وضع موجود الزامی است. چنین پژوهش‌هایی با مطرح‌ساختن عدم وجود زیرساخت‌های لازم سکونت ذهنیت ساکنان و به‌تبع آن متولیان امر را به سمت مسائل زیرساختی و اولیهٔ سکونت سوق می‌دهند. هرچند که نبود زیرساخت‌های سکونت و تسهیلات روبنایی در مسکن مهر مسئله‌ای غیرقابل‌انکار است اما فروکاست نیازهای ساکنان به این ابعاد، موجب متوقف‌ماندن دیگر مطالبات ساکنان خواهد بود. نمونه‌های منتخب از مطالعات در جدول ۱ آورده شده است.

در سوی مقابل، مترتب بر آن که رضایتمندی مفهومی اعتباری

جدول ۱. منتخبی از مطالعاتی که به جنبه‌های ساختاری-کالبدی مفهوم رضایتمندی سکونت در طرح مسکن مهر پرداخته‌اند. مأخذ: نگارنده.

نمونهٔ موردمطالعه	پژوهشگران	حوزهٔ نظری پژوهش	عوامل اصلی حصول رضایت در پژوهش
مسکن مهر سبزوار	شاهی آقبلاغی و همکاران (۱۳۹۵)	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	تسهیلات روبنایی و زیربنایی/ دسترسی/کیفیت کالبدی مسکن
مسکن مهر مجتمع بوستان هشتگرد	دوردی و همکاران (۱۳۹۳)	برنامه‌ریزی شهری	دسترسی/کیفیت کالبدی مسکن
مسکن مهر شهرک مهرگان کرمان	رهنما و کمانداری (۱۳۹۴)	جغرافیا برنامه‌ریزی شهری	تسهیلات روبنایی و زیربنایی/ دسترسی/کیفیت کالبدی مسکن

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-08]

[DOI: 10.22034/2.3.3]

است که از خوانش و تفسیر ناظر محیط پدید آمده، به وجوه مختلف ارزیابی یک پدیده اتکا داشته و تنها محدود به ابعاد مادی فضا نیست. بدیهی است در کنار نیازهای اولیه و بیولوژیک انسانی نیازهای غیربیولوژیک نیز در حصول آن نقش‌آفرین است؛ نیازهایی که در هرم نیازهای انسانی، لایه‌ای بالاتر از حداقل‌های سکونتی را در برگرفته و نقطهٔ آغاز حرکت انسان به سوی تعالی در بستر سکونت وی تلقی می‌شود.

دستهٔ دوم مطالعات سنجش رضایتمندی، پژوهش‌های حوزهٔ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی است. این مطالعات بر شاخص‌های اجتماعی و غیرمادی نظر داشته و برخلاف دستهٔ اول پیمایش‌ها، نیازهای فرامادی و توجه به مؤلفه‌های اجتماعی را شرط حصول رضایتمندی می داند. این مطالعات با جداساختن این سطح از مؤلفه‌های پایه‌ای، شرط حصول رضایت را پاسخ به کیفیات اجتماعی محیط قلمداد می‌کند (جدول ۲). نگرشی نوین‌تر نسبت به موضوع رضایتمندی سکونتی که حصول رضایتمندی را در تجمیع هر دو سطح مادی و فرامادی تلقی کرده، دستهٔ دیگری از پیمایش‌های مرتبط در مسکن مهر است. در این مطالعات ارتقا هرکدام از سطوح در کنار دیگری برابر با دستیابی به رضایت ساکنان است. درصورتی‌که این مطالعات نیز بیش از آنکه به ارتقا «توامان» این شرایط در لوای یک راهکار مبتنی بر کُل و ترکیب میان مؤلفه‌ها تکیه داشته باشد، هدف غایی را در ارتقا عوامل ساختاری یا عوامل فراکالبدی و فرامادی می‌دانند که فارغ از موضوع مکان و مفهوم مکان‌مندی سکونت مطرح شده باشد.

بحث

از منظر نیازهای انسانی رضایتمندی در بستری از تبلور نیازهای انسانی در مراتب گوناگون پدید می‌آید. چندوجهی‌بودن مسکن و ارتباط آن با ابعاد گوناگون مادی و معنایی زیست انسانی رابطهٔ مستقیمی با تسلسل نیازهای از پایه‌ای‌ترین سطح تا بالاترین آنها در یک رویکرد سلسله‌مراتبی دارد. ازاین‌روست که شناخت‌شناسی و احیا رضایت‌سنجی مسکن در طول تکوین این مفهوم مورد توجه بوده است. روش سنجش رضایت متکی بر ابعاد مادی محیط ازاین‌رو که نگرشی تک‌بعدی به موضوع سکونت داشته و نسبت به سایر وجوه سکونت بی‌اعتنا و یا کم‌اعتنا است رویکردی است که به‌واسطهٔ این نقص، به لزوم وجود سایر رویکردها صحه می‌گذارد. نقطهٔ مغفول چنین رویکردی عدم توجه به پیوند میان وجوه مختلف بالاخص وجوه غیرمادی فضا سکونت است. بر همین اساس علوم اجتماعی با تکیه‌بر صفات معنایی محیط سکونت در پژوهش‌های خویش از بعد مادی سکونت غفلت ورزیده و هم‌پیوندی میان وجوه «مادی-غیرمادی» نیز در آنها نمایان است. همچنان که ارزش‌گذاری اصلی بر سنجه‌های اجتماعی بوده است.

در دیگر نگرش موجود، اجماع مؤلفه‌های کمی و کیفی علی‌رغم جامعیت، نقصی از حیث شکل‌دهی به رابطه‌ای هم‌ارز میان سنجه‌ها را دارد. همچنان‌که مفهوم سکونت را جدای از مکان، در قالب مسکن نیز تعریف می‌کند؛ درصورتی‌که رضایت‌مندی وابستگی توامانی با عینیات محیط و تفسیر ذهنی مخاطب از آن را دارد و به‌صورت هم‌ارزش در کنار یکدیگر تبلور یافته و جدایی آنها -جز به انتزاع- ممکن نیست. بنابراین این عدم توجه موجب بی‌اثرشدن حصول نتیجه از پیمایش‌های موصوف بوده است.

نتیجه‌گیری

جدایی‌گزینی وجوه مختلف یک پدیده از یکدیگر در مسئله چندوجهی مانند مسکن یک خطای راهبردی در امر روش‌شناسی است. اما هم‌تراز با این خطا به‌عنوان یکی از

جدول ۲. منتخبی از مطالعاتی که به جنبه‌های اجتماعی رضایتمندی سکونتی در طرح مسکن مهر پرداخته‌اند. مأخذ: نگارنده.

نمونهٔ موردمطالعه	پژوهشگران	حوزهٔ نظری پژوهش	عوامل اصلی حصول رضایت در پژوهش
مسکن مهر میاندوآب	منافی‌آذر و همکاران (۱۳۹۷)	مطالعات‌اجتماعی	احساس تعلق به مکان/وجود سازمان اجتماعی/کنش‌های فعال همسایگی
مسکن مهر یاسوج	محمدی دوست و همکاران (۱۳۹۷)	مطالعات‌اجتماعی	وجود روابط اجتماعی مؤثر بین ساکنان/وجود سازمان اجتماعی کنش‌های فعال همسایگی
مسکن مهر شهرضا	جافری و همکاران (۱۳۹۸)	مطالعات‌اجتماعی	وجود روابط اجتماعی مؤثر بین ساکنان/وجود سازمان اجتماعی

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-08]
[DOI: 10.22034/2.3.32]

دلایل عدم حصول نتیجه در پژوهش و مطالعهٔ رضایتمندی سکونت، بی‌توجهی به رویکردی که به «مکان‌مندبودن سکونت» نظر دارد، دیگر علت عدم کارآمدی مطالعات است. در چنین رویکردی که به مفهوم سکونت و روابط آن به‌گونه‌ای موصوف نظر داشته و مسکن -به‌عنوان کالبد سکونت- را یکی از وجوه آن به شمار می‌آورد، تفکیک کل به اجزا و ارزیابی آنها به خطایی منجر شده است که در آن قابلیت ارزیابی کامل، دیگر وجود نخواهد داشت.

از بعد روش‌شناختی مطالعه نیز توجه به این کُل که ترکیب واحدی از کمیت‌ها و کیفیت‌های محیطی را دربرگرفته، می‌باید مبنای پرسش قلمداد شود. موضوعی که در پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع رضایتمندی سکونتی در طرح مسکن مهر مغفول واقع شده و در نقطهٔ مقابل، ابعاد جداگانهٔ کمی و کیفی مورد سنجش قرار گرفته و به آنها پرداخته می‌شود. به بیانی هستی سکونت از طریق توجه به صفات و ویژگی‌های سکونت در حیثیت واحد و یگانه مورد تحلیل و مستند به نشانه‌ها که مؤید صفات هستی سکونت است، ارزیابی می‌شود.

تعارض منافع

نگارنده اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

• جافری، رحیم؛ موسوی، میرنجف و مصیب‌زاده، علی. (۱۳۹۸). سنجش عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی از مساکن گروه‌های کم‌درآمد شهری (مطالعهٔ موردی: مسکن مهر شهرضا). *جغرافیای اجتماعی شهری، ۶*(۲)، ۱۶۹-۱۸۶. https://doi.org/10.22103/JUSG.2019.1997

• درودی، محمدرضا؛ جهانشاهلو، لعلا و شهریاری، سیدکمال‌الدین. (۱۳۹۳). سنجش میزان رضایتمندی ساکنین مسکن مهر با رویکرد مدیریت شهری (مطالعهٔ موردی: مجتمع بوستان شهر جدید هشتگرد). *اقتصاد و مدیریت شهری*، ۳(۹)، ۱۲۵-۱۴۱. http://iueam.ir/article-1-110-fa.html

• رهنما، محمدرحیم و کمانداری، محسن. (۱۳۹۴). سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنین از کیفیت محیط مسکونی در شهر کرمان (مطالعهٔ موردی: پروژهٔ مسکن مهر شهرک مهرگان)، *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۲(۱)، ۳۹-۵۹. https://doi.org/10.22103/juas.2015.1789

• شاهی آقبلاغی، عارف؛ یعقوب، زنگنه؛ خدابنده‌لو، حسن و درودی‌نیاری، عباس. (۱۳۹۵). سنجش شاخص‌های کیفیت محیط شهری (مطالعهٔ موردی: مسکن مهر شهر سبزوار. *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۷*(۲۶)، ۵۴-۷۲. https://jargs.hsu.ac.ir/article_161430.html

• محمدی دوست، سید سلیمان؛ خانی‌زاده، محمد علی و نمازیان، فریبا. (۱۳۹۷). سنجش میزان رضایت‌مندی از مسکن مهر با تأکید بر ابعاد پایداری اجتماعی (مطالعهٔ موردی: مسکن مهر شهر یاسوج. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۳(۱)، ۲۵۱-۲۶۶. https://sanad.iau.ir/Journal/jshsp/Article/1031123/FullText

• منافی‌آذر، رضا؛ عبدالحمید، نظری؛ ولایی، محمد و آزادی قطار، سعید. (۱۳۹۷). بررسی مکانی-فضایی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مسکن مهر میاندوآب. *فضای جغرافیایی*، ۱۸(۶۲)، ۱۳۷-۱۵۷. http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-1795-fa.html

• ناصری، سینا؛ منصوری، سید امیر و براتی، ناصر. (۱۴۰۳). مقایسهٔ نقش دو رویکرد منظر و برنامه‌ریزی در ارتقا کیفیت سکونت در ایران با تکیه‌بر مسکن مهر. *منظر، ۱۶*(۶۷)، ۲۶-۳۹. https://doi.org/10.22034/manzar.2023.381389.2221

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-08]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
ناصری، سینا. (۱۴۰۳).ناکارآمدی سنجش رضایتمندی سکونتی در مسکن مهر، محصول افتراق مؤلفه‌های سکونت. *مکتب احیاء*، ۲(۳)، ۳۲-۳۵.

DOI: https://doi.org/10.22034/2.3.32
URL: https://jors-sj.com/article-1-37-fa.html

[DOI: 10.22034/2.3.32]